

بررسی نقش فضای کنش در مشارکت بخش خصوصی
جهت سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای^۱
* دکتر شهرام گیلانی نیا
** مجتبی افشاریان
*** مجید حسینی نثار

کد مقاله: ۲۷۵

چکیده

تبیین و تحلیل عوامل مرتبط با مشارکت بخش خصوصی در راستای رفع نیازهای آموزشی و مهارتی در جهت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هدف اساسی این تحقیق بوده است. محققان قصد دارند که در قالب یک مدل تحلیلی ویژه به بررسی این سؤال بپردازند که عوامل مؤثر در افزایش مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای کدامند؟ از دیدگاه نگارندگان افزایش تمایل مشارکت بخش خصوصی به عنوان کنشگر اجتماعی از طریق عوامل مختلفی همچون ارایه فهرست دقیق مشاغل مورد نیاز در طرح توسعه استان، معافیت‌های مالیاتی، حذف مراحل اداری زاید، پرداخت وام‌های بلندمدت، واگذاری زمین و ارایه خدمات زیربنایی و نرخ پایین، پرداخت بخشی از هزینه سرانه آموزشی فنی و حرفه‌ای، انگیزه‌های کارآفرینی، انگیزه‌های مذهبی میسر می‌گردد.

بنابراین مباحث اصلی مقاله با این فرض شکل می‌گیرد که افزایش مشارکت بخش خصوصی به عنوان یک کنشگر اجتماعی در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای از طریق اثرگذاری بر عوامل یادشده منجر به توسعه این نوع آموزش‌ها می‌گردد. در پایان با توجه به آزمون‌های انجام‌شده مربوط به فرضیه‌های تحقیق مدل اصلی در سطح اطمینان ۹۵٪ قابل قبول بوده و معنی‌دار می‌باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت بخش خصوصی، کنشگر اجتماعی، فضای کنش، مراحل اداری زاید.

۱- مقاله حاضر براساس گزارش طرح پژوهشی سازمان فنی و حرفه‌ای استان گیلان به مجوز ۱۲/۲۵۳۳۶ مورخه ۸۷/۱۱/۲۴ تحت عنوان «بررسی نقش فضای کنش در مشارکت بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای» تدوین گردیده است.
* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
*** مدرس دروس علوم اجتماعی دانشگاه های پیام نور و جامع علمی - کاربردی رشت.
Email: gilani_sh45@yahoo.com
Email: hoseini_fm@gmail.com

مقدمه

یکی از مسایل پیش روی سازمان‌های امروزی در کنار سرمایه‌گذاری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مسأله‌ی ظرفیت‌سازی و توانمندسازی نیروی انسانی می‌باشد. بخشی از ظرفیت‌سازی مربوط به توسعه منابع انسانی، آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای است، این مورد همانند سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی فیزیکی سازمان نیازمند برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بلندمدت و یا به عبارتی دیگر نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر می‌باشد. توسعه‌ی منابع انسانی در سطح ملی اغلب با عناوین آموزش فنی و حرفه‌ای مطرح می‌شود، زیرا یادگیری را برای آماده‌سازی مردم در نظر می‌گیرد بدین ترتیب توسعه منابع انسانی آموزش و پرورش را با اشتغال مفید پیوند می‌دهد و از این رو برنامه‌ریزی نیروی انسانی با برنامه‌ریزی توسعه ارتباط دارد. در این سطح توسعه منابع انسانی مسایلی هم‌چون ساختار نیروی کار، نسبت‌های نیروی کار در بخش‌های سه‌گانه‌ی کشاورزی، صنعت، خدمات و تنظیم سطوح تحصیلی و مهارتی بر حسب تقاضای بازار کار و ضرورت‌های اقتصادی و نظایر آن را در بر می‌گیرد. بدیهی است در ابتدا همه توجه‌ها معطوف دولت می‌شود یعنی این دولت است که بایستی به تنهایی بار سرمایه‌گذاری توسعه منابع انسانی را به دوش بکشد. شاید بتوان در حوزه‌ی آموزش‌های رسمی یعنی در سطح مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و هم‌چنین در سطح دانشگاه‌ها، دولت را مسئول سرمایه‌گذاری و گسترش برنامه‌های رسمی آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی دانست، اما بحث توسعه منابع انسانی و آموزش حرفه‌ای بیشتر متوجه بخش خصوصی است.

ذکر این نکته حایز اهمیت است که در عصر حاضر مشارکت بخش خصوصی در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و نیز آموزشی رشد فزاینده‌ای یافته است. در ایران نیز، سیاست خصوصی‌سازی با ارتقای کارایی فعالیت‌ها، تخصیص منابع، گسترش مشارکت‌های مردمی در بخش‌های مختلف تولیدی، تجاری و آموزشی از جمله سیاست‌های برنامه‌های توسعه هدف می‌یابد. خصوصی‌سازی رویکرد مجددی به نظام بازار جهت جبران پی‌آمدهای ناشی از شکست دولت در فعالیت‌های اقتصادی است که بدون تردید هرگونه بی‌توجهی، شکست دیگری را در اقتصاد به بار خواهد آورد (مهدی، ۱۳۸۷، ص ۱).

در همین راستا، واگذاری مدیریت کارگاه‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به بخش خصوصی را باید یکی از راه‌های مؤثر توسعه بخش خصوصی، ارتقای بهره‌وری و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و مواد ۱۴۵-۱۳۶ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانست.

بیان مسأله

توسعه روزافزون تکنولوژی و خلق سامانه‌های پیچیده با پاسخ‌گویی به نیازهای در حال رشد مردم، مشکلات و مسایلی را پیش روی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد که بخش عظیمی از این مشکلات با آموزش و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای قابل حل می‌باشد (عمادزاده، ۱۳۷۹، صص ۹۰-۶۰) که اگر تنها بخش دولتی فشار آموزش‌های فوق را بر دوش بکشد با توجه به محدودیت بودجه و امکانات نمی‌تواند اثربخشی لازم را در آماده‌سازی منابع انسانی متعدد داشته باشد. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند تا با کمک امکانات و ظرفیت‌های بخش خصوصی، بخشی از این وظیفه مهم به انجام رسد (آدکوکف، ۲۰۰۱، صص ۳۰-۲۰).

سؤال اساسی که در رابطه با دخالت دادن و مشارکت بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان انگیزه بخش خصوصی را برای مشارکت در امر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای افزایش داد؟

با توجه به موضوع پژوهش که مشارکت بخش خصوصی را در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای چشم‌انداز توسعه استان گیلان مد نظر قرار می‌دهد، سؤال اصلی و بنیادی به شرح زیر مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

سؤال اصلی تحقیق

عوامل مؤثر در افزایش مشارکت بخش خصوصی به عنوان کنشگر اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای کدام‌اند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

انجام پژوهش حاضر از جنبه‌های زیر اهمیت دارد:

مهم‌ترین استراتژی دولت در چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور برون‌سپاری و واگذاری کارها به بخش خصوصی تحت عنوان یک کنشگر اجتماعی و اقتصادی بسیار مؤثر می‌باشد و سازمان فنی و حرفه‌ای به عنوان یک بخش از دولت، از این امر مستثنی نیست.

سازمان فنی و حرفه‌ای برای تحقق بخشیدن به استراتژی فوق باید سیاست‌های مناسب را جهت افزایش تمایل بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این امر کشف و آگاهانه اقدامات لازم را به عمل آورد.

کشف عوامل مؤثر و تقدم و تأخر اثرگذاری این عوامل می‌تواند کمک شایانی به سازمان فنی و حرفه‌ای در طراحی برنامه‌های برون‌سپاری و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی فعالیت‌های آن بنماید.

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت وضعیت موجود میزان مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای.
- ۲- شناسایی عوامل موجد افزایش تمایل بخش خصوصی در امور آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- ۳- آرایه‌ی چارچوب علمی در زمینه‌ی درجه ارتباط عوامل مختلف در انگیزه‌ی بخش خصوصی برای مشارکت در امور آموزش فنی و حرفه‌ای و استفاده از نتایج تحقیق در پیشبرد اهداف سازمان فنی و حرفه‌ای در برون‌سپاری.
- ۴- کشف رابطه و میزان آن در هر یک از عوامل بر تمایل بخش خصوصی در فعالیت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای.
- ۵- دسته‌بندی و الویت‌بندی عوامل مؤثر در افزایش تمایل بخش خصوصی در فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای.

چهارچوب نظری

طرح رویکردهای نظری مربوط به مشارکت اجتماعی می‌تواند در گستره وسیعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه مورد توجه قرار گیرد، معیارهایی که در طبقه‌بندی برداشت‌های نظری مذکور می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، متعدد و قابل توجه هستند، به گونه‌ای که عدم توجه به هر کدام امکان دارد نوعی نقص برای بحث نظری در زمینه مشارکت اجتماعی تلقی شود. در این زمینه می‌توان از معیارهایی مانند موضوع مشارکت (یا امری که مشارکت برای آن صورت می‌گیرد)، زمینه‌ی مشارکت، شدت مشارکت، عوامل مشارکت، شرایط مشارکت و ... صحبت کرد. از طرف دیگر طرح این مسأله که مشارکت برای چه یا در چه امری صورت می‌گیرد، برای نظریه‌پردازان وفاق و تضاد در جامعه‌شناسی می‌تواند حوزه‌های متفاوتی از مشارکت اجتماعی را مهم جلوه دهد و تفاسیر متفاوتی را برانگیزد.

مشارکت در جوامع سنتی، مشارکت همگنان است و نوعی مشارکت در اعمال دسته‌جمعی آیین‌ها و پاسداشت امور مربوط به وجدان جمعی است و مشارکت جوامع جدید مشارکت انسان‌های ناهمگن در زمینه‌های بسیار متفاوتی مانند ایجاد اتحادیه‌های صنفی (گروه‌های شغلی)، تدوین قوانین و احترام به آن و ارزش نهادن به وجدان فردی است.

در نقطه مقابل مشارکت در دیدگاه تضاد یک مسأله طبقه‌ای و در مواردی ناآگاهانه است که در مشارکت داخل طبقه‌ای، نوعی تلاش دسته‌جمعی برای استثمار طبقات پایین توسط طبقه مسلط از یک طرف و اتحاد استثمارشدگان برای مبارزه با طبقه مسلط از طرف دیگر به چشم می‌خورد. ولی مشارکت ناآگاهانه بیشتر به مشارکت استثمارشدگان در استثمار خودشان به خاطر آگاهی کاذب از شرایط موجود اشاره دارد، در مورد طبقات مسلط نیز اشکالی از مشارکت ناآگاهانه مخصوصاً در مراحل اولیه هر دوره از تحول اجتماعی به چشم می‌خورد (زمانی که قطبی شدن طبقاتی شدت نیافته و جامعه هنوز دقیقاً بین دو طبقه اصلی تقسیم نشده است و طبقه مالک ابزار تولید صرفاً برای حفظ منافع شخصی نه منافع گروهی و طبقاتی دست به فعالیت‌هایی همانند می‌زند) (مستویز، ۲۰۰۲، صص ۱۱۹-۱۱۵).

تعریف مشارکت

با توجه به این که مشارکت مفهوم گسترده‌ای است، این مفهوم را می‌توان از دیدگاه علوم مختلف تعریف کرد (میسرا، ۱۳۸۵، ص ۱) ولی نظر به این که نوشته حاضر یک بحث جامعه‌شناختی می‌باشد، به همین دلیل صرفاً به ذکر برخی تعاریف آن پرداخته می‌شود.

آلن بیرو^۱ در تعریف مفهوم مشارکت چنین می‌نویسد: «مشارکت کردن یعنی سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است» (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۲۵۷، به نقل از ساروخانی). گارد و بیسر^۲ بیشتر به بُعد عمل و تعهد آمیز مشارکت توجه کرده‌اند، آنان مشارکت را چنین تعریف می‌کنند: «مشارکت را می‌توان به صورت (تعهد مشترک در پرداختن به مسایل توسعه بر اساس تقسیم توافق شده وظایف و مسئولیت‌ها) تعریف کرد. مشارکت‌ها حول هدف‌های مشترک شکل می‌گیرد و شرکا، پیگیری یک یا چند فعالیت را در راستای یک هدف، به صورت مشترک یا به صورت ردیفی، به عهده می‌گیرند. مشارکت‌ها ممکن است بسته به هدف مورد دست‌یابی، موقت یا برای مدتی طولانی باشد» (گارد و بیسر، به نقل از تاجر و کمپوس، ۱۳۸۲، ص ۸۴). اوکلی^۳ که گرایش خاص به ابعاد کاربردی مفهوم مشارکت دارد، معتقد است که مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها، بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته به انجام خواهد رسید.

مشارکت و کارکردهای نهان و آشکار

مرتین^۴ جامعه‌شناس کارکردگرا، تحلیل کارکردهای نهان و آشکار را با توجه به مشارکت اجتماعی توضیح می‌دهد و آن را شامل بخش‌های زیر می‌داند:

- ۱- وضع و شرایط مشارکت‌کنندگان در ساخت اجتماعی
- ۲- معنای عاطفی و شناختی رفتار آنان که به مشارکت می‌پردازند.
- ۳- تمیز بین انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت‌کنندگان.
- ۴- جنبه‌های رفتاری منتظم که با این انگیزه‌ها پیوسته‌اند، هر چند که مشارکت‌کنندگان چندان شناختی از آن نداشته باشند (بیرو، ۱۳۷۵، صص ۲۵۸-۲۵۷). در مکتب تفهیمی ماکس وبر^۵ و پیروان او، مشارکت با مفهوم شانس یا احتمال همراه می‌باشد. آلفرد شوتز^۶ که جامعه‌شناسی ماکس وبر را پی می‌گیرد، از مفهوم شانس عینی^۷ که معادل مفهوم امکان

عینی و بر است، سخن می‌گوید. الگوهای فرهنگی مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و نسخه‌هایی است که نحوه رفتار افراد در یک فرهنگ معین را تعیین می‌کند.

مشارکت در زمینه‌ی توسعه

یکی از کسانی که در این زمینه اظهار نظر کرده است، میسرا می‌باشد خلاصه الگوی میسرا دارای عامل‌های اصلی به شرح زیر است: «قطع وابستگی یک‌طرفه و ایجاد وابستگی متقابل، تغییر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و ایجاد برابری که منجر به مشارکت عمومی می‌شود».

سالیما نیز در نظریه مشارکت خود، توسعه را صرفاً مشارکت مردم و توسعه از پایین به بالا می‌داند. او به جای توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی را به کار می‌برد و مشارکت مردمی را از ضروریات آن می‌شمارد (توسلی، ۱۳۸۲، صص ۶۵-۱۰۴).

فضای کنش و مشارکت بخش خصوصی

منظور از فضا، مجموعه‌ای از امکانات یا مقدرات برای یک نظام است. طرح مفهوم فضای کنش به صورت انتزاعی این امکان بالقوه را برای تحلیل‌گر اجتماعی فراهم می‌کند که هم بتواند با کمک آن به توصیف و طبقه‌بندی بخش دولتی و بخش خصوصی در رابطه با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مبادرت ورزد و هم به طرح گزاره‌ها و قضایای عام و کاربردی بپردازد. همان طور که مونیچ نیز استدلال می‌کند از لحاظ تحلیلی برای تضاد بین چهار خرده نظام در فضای کنش، می‌توان حداقل سه راه‌حل کلی تصور کرد: ۱- تسلط یک نظام بر سایر نظام‌ها، ۲- انزوای متقابل و ۳- نفوذ متقابل. در حالت اول، قانون درونی نظام مسلط، کم‌وبیش بر تمامی فضای کنش حاکم می‌شود و عملاً فضای مربوط از برون‌داد سایر نظام‌ها، چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی به تناسب تهی می‌شود. در حالت دوم، نظام‌ها در انزوای متقابل به سر می‌برند و اجازه می‌یابند تا بدون تاثیر از یکدیگر وجود داشته باشند. در چنین شرایطی ضرایب اثرات تعاملی ابعاد فضای کنش در حد صفر باقی می‌مانند. در حالت سوم، روابط بین نظام‌ها از نوع «نفوذ متقابل»^۸ اند. در این حالت، در عین این که نظام‌ها در ارتباط با یکدیگر همپوش^۹ می‌شوند و با این همپوشی، ترکیب‌های جدید (سنتز) و حوزه‌های نفوذ متقابل جدیدی را در فضای کنش خلق

می‌کنند، در همان حال هویت و استقلال نسبی خود را نیز خارج از حوزه‌های نفوذ متقابل، حفظ می‌کنند (جلیبی، ۱۳۸۵، صص ۲۹-۴۰). در میان چهار نظام اصلی موجود در فضای کنش که شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و اجتماع - جامعه‌ای را شامل می‌شود، نظام اقتصادی پویاترین سامانه می‌باشد (نوربخش، ۱۳۷۳، صص ۲۳۸-۲۱۰). از این رو در تحقیق حاضر، بخش خصوصی به عنوان یک کنشگر اجتماعی و اقتصادی جهت توسعه کنش‌های اقتصادی و اجتماعی در راستای مشارکت بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است (آقایی، ۱۳۷۸، صص ۱۳۵-۱۲۰).

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های تحقیق را می‌توان با توجه به نظریه کنش پارسونز و چارچوب تحلیلی فضای کنش مطرح کرد. یعنی با مراجعه به موقعیت کنشگران بخش خصوصی در فضای کنش؛ نسبت رابطه آن با نظام‌های تغییردهنده و نظام‌های نظم‌دهنده توضیح داد. بر اساس مدل آجیل پارسونز^۱ در چهار بُعد نظام اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به شرح زیر مطرح کرد:

در نظام فرهنگی - اجتماعی

- ۱- ارایه فهرست دقیق مشاغل مورد نیاز در طرح توسعه استان گیلان به بخش خصوصی بر روی تمایل در مشارکت برای فعالیتهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می‌گذارد.
- ۲- انگیزه‌های کارآفرینی بر روی تمایل بخش خصوصی برای مشارکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می‌گذارد.
- ۳- انگیزه‌های مذهبی بر روی تمایل بخش خصوصی برای مشارکت در امر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می‌گذارد.

در نظام اقتصادی

- موارد زیر در فعالیتهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر دارد:
- ۱- معافیت‌های مالیاتی بر روی تمایل بخش خصوصی.

- ۲- پرداخت وام‌های بلندمدت (پشتیبانی مالی) به بخش خصوصی.
- ۳- واگذاری زمین و ارایه خدمات زیربنایی با نرخ پایین.
- ۴- پرداخت بخشی از هزینه سرانه آموزش فنی و حرفه‌ای.

در نظام سیاست‌گذاری

حذف مراحل اداری زاید در تأسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای بر روی تمایل بخش خصوصی در مشارکت برای تأسیس این گونه مراکز تاثیر می‌گذارد.

مروری بر پژوهش‌های پیشین

بررسی‌های هائورن اولین تحقیق علمی دانشگاهی است که سبب جلب توجه دانشمندان و مدیران به مسأله خردورزی ارتباطی و تاثیر علوم رفتاری در حمایت کنش‌های منابع انسانی از عملکرد بخش خصوصی، به عنوان عامل برانگیزاننده، تحرک، رضایت‌مندی و افزایش کارایی می‌گردد (آکوف، ۱۹۸۰، ص ۴). آزادی که با توجه به کاربرد اصول فرزاندگی ارتباطات حاصل می‌شود، علاقه افراد و بخش خصوصی را به عنوان کنش‌گران حوزه‌ی تولید موجب می‌شود (نصرتیه، ۱۳۷۸، ص ۷۸-۶۶). بدین ترتیب مشارکت بخش خصوصی در آموزش کارکنان و منابع انسانی جامعه جهت ایجاد کنش مثبت در اقتصاد و اجتماع به عنوان ایده‌ای جدی در مدیریت مطرح می‌گردد و روابط غیررسمی و پیش‌بینی‌نشده در ساختار رسمی سازمان از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود (بایلی، ۱۹۸۹، ص ۲۰۰-۲۲۰).

هسته‌های کیفیت که در ژاپن به نام هسته‌های نظارت بر کیفیت خوانده می‌شود، تازه‌ترین الگوهای مشارکت کارکنان و بخش خصوصی در آموزش فنی و حرفه‌ای هستند که توجه جدی امریکاییان را به خود جلب کرده است (نظری، ۱۳۶۹، ص ۱۷۵-۱۴۳) یک هسته نظارت بر کیفیت گروهی که هشت نفر بودند، در زمان کار رسمی (بدون دریافت حق اضافه‌کاری) گرد آمدند تا درباره کیفیت کار، بهبود روش کاهش هزینه، اصلاح ایمنی کار آموزش‌های فنی و اجتماعی و دیگر کارهای ضمن خدمت از طریق ارتباطات خردورزانه به بحث بنشینند و پیشنهادهایی را ارایه نمایند (حتیو، ۲۰۰۲، ص ۹۹-۹۶).

هرزبرگ^{۱۱} و همکاران او در مؤسسه‌ی خدمات روان‌شناسان پیتسبورگ تحقیقی را در زمینه رابطه‌ی بین تامین نیازهای ارتباطی، انگیزش و افزایش مشارکت کارکنان انجام

داده است که تا اندازه‌ی زیادی تاثیر کاربرد اصول فرزانگی ارتباطی را در افزایش مشارکت بررسی‌شوندگان، تایید می‌نماید.

در این تحقیق نشان داده شده است که افراد و گروه‌ها وقتی به شغل خود علاقه‌مند می‌شوند، کوشش‌های بیشتری را از خود نشان می‌دهند و مشارکت بیشتر آنان بازدهی شغلی آنان را نیز بیشتر می‌نماید (بلانچارد، ۲۰۰۱، صص ۸۸-۳۷).

مقاله‌ای با عنوان «جایگاه روابط انسانی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در تعلیم و تربیت» بیان می‌دارد که انگیزه هر فعالیت تربیتی و آموزشی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی پیوند میان معلم با محیط و ارکان آموزشی می‌باشد. در این مقاله به نقل از پائولو فریره^{۱۲} در بیان اثر مشارکت خردورزانه ارتباطی در سامانه آموزشی می‌گوید: ایمان داشتن و مشارکت رمز ارتباط مدرس و اعتماد متقابل در فعالیت‌های افراد و بخش خصوصی می‌باشد (بورج، ۲۰۰۲، صص ۳۰-۲۲).

متوسلی در کتابی با عنوان «مشارکت و تاثیر آن بر روابط انسانی و گسترش فعالیت‌های آموزش‌های فنی» می‌گوید: «پیشرفت‌های علمی و دست‌یابی به دانش‌های جدید همواره آرزوی بشر بوده و همیشه در این راه کوشیده‌اند و به رفاه و آسایش بیشتر نیز دست یافته‌اند. لیکن این پیشرفت‌ها هرگاه از اعتلای مشارکت بخش‌های مختلف جامعه یعنی بخش خصوصی و دولتی دور شده‌اند به فنا محکوم شده‌اند و به تاریخ پیوسته‌اند» (متوسلی، ۱۳۷۴، صص ۱۳۸-۱۱۰).

متغیرهای تحقیق و تعاریف عملیاتی آن‌ها

الف) متغیر وابسته

میزان تمایل به مشارکت، به درجه تمایل مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای گفته می‌شود که در یک مقیاس پنج‌فاصله‌ای از میزان تمایل کم تا میزان تمایل بسیار زیاد سنجیده می‌شود.

ب) متغیرهای مستقل و تعریف عملیاتی آن‌ها

متغیرهای زیر در فعالیت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در مقیاس پنج‌فاصله‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد سنجیده می‌شود:

- ۱- ارایه فهرست دقیق مشاغل مورد نیاز در برنامه توسعه استان گیلان: عبارت است از درجه اثرگذاری فهرست دقیق مشاغل بر میزان تمایل بخش خصوصی در فعالیتهای آموزش فنی و حرفه‌ای.
- ۲- انگیزه‌های کارآفرینی: عبارت است از درجه اثرگذاری انگیزه‌های سه‌گانه (میل به موفقیت، انگیزه پیشرفت و مخاطره‌پذیری) بر میزان تمایل مشارکت بخش خصوصی.
- ۳- انگیزه‌های مذهبی: عبارت است از درجه اثرگذاری انگیزه مذهبی بر میزان تمایل به مشارکت بخش خصوصی.
- ۴- معافیت مالیاتی: عبارت است از درجه اثرگذاری معافیت مالیاتی بر میزان تمایل به مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- ۵- پرداخت وام‌های بلندمدت: عبارت است از درجه اثرگذاری وام‌های بلندمدت پرداختی به بخش خصوصی در فعالیتهای آموزش فنی و حرفه‌ای.
- ۶- واگذاری زمین و ارایه خدمات زیربنایی ارزان‌قیمت: عبارت است از درجه اثرگذاری واگذاری زمین و ارایه خدمات زیربنایی ارزان‌قیمت بر میزان تمایل به مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای آموزشی‌های فنی و حرفه‌ای.
- ۷- پرداخت بخشی از هزینه سرانه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: عبارت است از درجه اثرگذاری پرداخت بخشی از هزینه سرانه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر میزان تمایل به مشارکت بخش خصوصی.
- ۸ - حذف مراحل زاید اداری: عبارت است از درجه اثرگذاری حذف مراحل زاید اداری در فعالیتهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر تمایل بخش خصوصی.

قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی: تحقیق حاضر در حوزه مدیریت علوم اجتماعی و اقتصادی، خصوصاً سازی رفتاری و نظریه‌های انگیزش قرار می‌گیرد.

قلمرو مکانی: ادارات و موسسات فنی و حرفه‌ای دولتی و خصوصی استان گیلان.

قلمرو زمانی: ۱۲ ماه از سال ۱۳۸۶.

روش تحقیق

روش مورد مطالعه در این تحقیق برای ارزیابی و آزمون فرضیه‌ها علی - مقایسه‌ای است. اجرای تحقیق علی، توصیفی می‌تواند برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد (کیانی، ۱۳۷۳، صص ۹۶-۸۵) البته تحقیق توصیفی خود شامل تحقیق پیمایشی، هم‌بستگی، اقدام پژوهشی، بررسی موردی و تحقیق علی - مقایسه‌ای است (آذر، ۱۳۸۰، صص ۲۵-۲۰). لذا روش تحقیق علی یکی از روش‌های تحقیق توصیفی است که برای دو هدف عمده به کار می‌رود: ۱- کشف رابطه و اثر بین متغیرها و ۲- پیش‌بینی یک متغیر از روی یک یا چند متغیر دیگر.

جامعه آماری، نمونه آماری و ابزار گردآوری داده‌ها

مدیران موسسات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دولتی و خصوصی استان گیلان، جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. با استفاده از رابطه:

$$n = \frac{(z_{1-\alpha/2})^2 \rho - (1 - \rho)}{E^2} = 140$$

و با خطای پیش‌بینی ۸٪ و ضریب اطمینان ۹۵٪ تعداد ۱۴۰ نمونه مشخص شد، اعتبار پرسشنامه از طریق تکنیک دلفی تایید گردید و پایایی آن نیز با استفاده از تکنیک بررسی ضریب آلفای کرونباخ با ضریب پایایی ۹۲٪ مورد تایید قرار گرفت. نمونه‌های آماری نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس مشخص و پس از توزیع پرسشنامه‌های تحقیق از این تعداد، ۱۲۰ پرسشنامه برگشت داده شد و در تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات جهت اندازه‌گیری متغیرها از پرسش‌نامه استفاده شده است و آن از دو بخش سؤال‌های عمومی و اختصاصی تشکیل شده است. پرسش‌های عمومی شامل شش سؤال عمومی و کلی می‌باشد که وضعیت جامعه آماری را نشان می‌دهد و سؤال‌های اختصاصی شامل یازده سؤال در ارتباط با موضوع تحقیق می‌باشند که پرسش شماره (۱) متغیر وابسته تحقیق، شماره (۲) متغیر مستقل اول، شماره

(۳) متغیر دوم و به طور کلی شماره (۲ تا ۷) بُعد اقتصادی عوامل موجد مشارکت بخش خصوصی، (۸ تا ۱۰) بُعد روان‌شناختی و کارآفرینی عوامل موجد مشارکت بخش خصوصی و شماره (۱۱) بُعد فرهنگی و دینی موجد مشارکت بخش خصوصی را اندازه‌گیری می‌نماید. شماره (۲ تا ۷) هر یک به تنهایی یک متغیر مستقل را اندازه‌گیری خواهند نمود، در حالی که (۸ تا ۱۰) با میانگین خود متغیر مستقل انگیزه‌های روان‌شناختی و کارآفرینی را مورد سنجش قرار می‌دهند و شماره (۱۱) نیز متغیر مستقل فرهنگی و دینی را اندازه‌گیری می‌نماید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، رابطه متغیر وابسته و متغیرهای مستقل بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه در مدل رگرسیون پیش‌بینی می‌شود. مراحل زیر هر یک از فرضیه‌های آماری H_0 و H_1 (فرض‌ها) را که در این جا فرض‌های آماری محسوب می‌شود به صورت زیر بیان می‌کند. (در سطح اطمینان ۰/۹۵)

$H_0: B = 0$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی‌دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی‌دار است.

در ادامه تحلیل داده‌ها و برای سنجش متغیرها و تاثیر کلی آن‌ها در تحقیق حاضر از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده گردیده است. بر این اساس برای تشخیص مؤثر بودن و عدم مؤثر بودن یک متغیر در بین بقیه‌ی متغیرهای مستقل از جدول سطح معنی‌دار بودن متغیرها استفاده شده است، در این قسمت فرضیه‌ها به صورت زیر بیان می‌گردد:

$H_0: B_1 = B_2 = B_3 = 0$ متغیرهای مستقل نسبت به متغیر وابسته استقلال دارد.

$H_1: B_1 \neq B_2 \neq B_3 \neq 0$ متغیر وابسته تحت تاثیر متغیرهای مستقل می‌باشند.

به دلیل حجیم شدن مقاله از آرایه‌ی داده‌های خام اجتناب شده است.

جهت مشاهده‌ی داده‌های تفصیلی می‌توان به بانک اطلاعاتی سازمان فنی و حرفه‌ای استان گیلان مراجعه نمود. در ضمن استفاده از نمودارها منجر به افزایش تعداد صفحات مقاله می‌شد که به این دلیل جهت تحلیل از روابط ریاضی استفاده شده است.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: «ارایه فهرست دقیق مشاغل مورد نیاز در طرح توسعه استان گیلان به بخش خصوصی بر روی تمایل در مشارکت برای فعالیت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می‌گذارد.»

$$Y = B_1 X_1 + C$$

فرض‌های آماری:

$0 = H_0: B$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی‌دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی‌دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *SPSS* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۹۱/۶ درصد و از آن‌جا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی‌دار می‌باشد.

فرضیه دوم: «انگیزه‌های کارآفرینی بر روی تمایل بخش خصوصی برای مشارکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می‌گذارد.»

$$Y = B_7 X_7 + C$$

فرض‌های آماری

$0 = H_0: B$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی‌دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی‌دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *SPSS* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۸۲/۲ درصد و از آن‌جا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی‌دار می‌باشد.

فرضیه سوم: «انگیزه‌های مذهبی در تاسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای بر روی تمایل آنان در مشارکت تاسیس این گونه مراکز تاثیر می‌گذارد.»

$$Y = B_8 X_8 + C$$

فرض‌های آماری

$0 = H_0: B$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی‌دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی‌دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *spss* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۲۷/۲ درصد و از آنجا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی دار می باشد.

فرضیه چهارم: «معافیت‌های مالیاتی بر روی تمایل بخش خصوصی برای مشارکت در امر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می گذارد.»

$$Y = B_2 X_2 + C$$

فرض‌های آماری

$H_0: B = 0$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *spss* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۹۲/۴ درصد و از آنجا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی دار می باشد.

فرضیه پنجم: «پرداخت وام‌های بلندمدت (پشتیبانی مالی) به بخش خصوصی تمایل بخش خصوصی برای مشارکت در فعالیت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را تحت تاثیر قرار می دهد.»

$$Y = B_4 X_4 + C$$

فرض‌های آماری

$H_0: B = 0$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *spss* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۲۷/۶ درصد و از آنجا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی دار می باشد.

فرضیه ششم: «واگذاری زمین و ارائه خدمات زیربنایی با نرخ پایین بر روی تمایل بخش بر روی تمایل بخش خصوصی برای مشارکت در امر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می گذارد.»

$$Y = B_5 X_5 + C$$

فرض‌های آماری

$H_0: B = 0$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *spss* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۷۴/۲ درصد و از آنجا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی دار می باشد.

فرضیه هفتم: «پرداخت بخشی از هزینه سرانه آموزش فنی و حرفه‌ای بر روی تمایل بخش خصوصی برای مشارکت در فعالیتهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر می‌گذارد.»

$$Y = B_6 X_6 + C$$

فرض‌های آماری

$H_0: B = 0$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *spss* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۵۱/۱ درصد و از آنجا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی دار می باشد.

فرضیه هشتم: «حذف مراحل اداری زاید در تاسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای بر روی تمایل آنان در مشارکت تاسیس این گونه مراکز تاثیر می‌گذارد.»

$$Y = B_3 X_3 + C$$

فرض‌های آماری

$H_0: B = 0$ رابطه وجود ندارد و ضریب معنی دار نیست.

$H_1: B \neq 0$ رابطه وجود دارد و ضریب معنی دار است.

برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به خروجی *spss* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۲۴/۶ درصد و از آنجا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنی دار می باشد.

بررسی تاثیر کلی متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته

$H_0: B_1 = B_2 = B_3 = 0$ متغیرهای مستقل دارای استقلال نسبت به متغیر وابسته هستند.

$H_1: B_1 \neq B_2 \neq B_3 \neq 0$ متغیر وابسته تحت تاثیر متغیرهای مستقل می‌باشند.

برای سنجش موضوع فوق از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شده است. با توجه به خروجی *SPSS* مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۹۸ درصد و از آنجا که این ضریب با توجه به مقدار *P-value* (*sig*) معنادار می‌باشد.

یعنی مشارکت بخش خصوصی به عنوان کنشگر اجتماعی در امر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پذیرفته می‌شود و مدل زیر ارایه می‌گردد.

$$Y=3.44+.194X1+.275X2+.073X3+.058X4+.132X5+.107X6+.195X7+.072X8$$

بررسی میزان اولویت هر متغیر

برای تعیین میزان اولویت هر کدام از میزان *R* (شدت همبستگی) بهره گرفته شده است به طوری که هر چه مقدار *R* بزرگتر باشد نشان‌دهنده‌ی ارتباط بهتر و بیشتر بین متغیر مستقل و وابسته می‌باشد و آن متغیر را در جایگاه بالاتری در رده‌بندی قرار می‌دهد.

جدول شماره (۱): رتبه‌بندی ارجحیت متغیرهای مستقل

اولویت	نام متغیر	میزان R
۱	ارایه فهرست دقیق مشاغل مورد نیاز	۰/۹۲۴
۲	معافیت‌های مالیاتی	۰/۹۱۶
۳	اتکیزه‌های کارآفرینی	۰/۸۲۷
۴	واگذاری زمین و ارایه خدمات زیربنایی با نرخ پایین	۰/۷۴۲
۵	پرداخت وام‌های بلندمدت (پشتیبانی مالی)	۰/۵۲۵
۶	پرداخت بخشی از هزینه سرانه آموزش فنی و حرفه‌ای	۰/۵۱۱
۷	اتکیزه‌های مذهبی	۰/۲۷۲
۸	حذف مراحل اداری زاید	۰/۲۴۶

پیشنهادها

۱- بر اساس نتایج آزمون فرضیه‌ی اول، پیشنهاد می‌شود تا یک مطالعه‌ی گسترده جهت آماده‌سازی فهرستی شفاف و روشن برای مشاغل مورد نیاز در برنامه‌ی توسعه استان تهیه شود و به تفکیک حوزه‌های مختلف مستندسازی گردد و در اختیار متقاضیان سرمایه‌گذاری در آموزش قرار گیرد.

۲- بر مبنای نتایج آزمون فرضیه دوم، می‌توان پیشنهاد نمود که جهت افزایش مشارکت بخش خصوصی یک برنامه ارتباطی برای شناخت افراد کارآفرین و تمایل با آن‌ها تهیه شود تا آنان را برای مشارکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ترغیب نماید.

۳- بر اساس نتیجه آزمون فرضیه سوم، می‌توان پیشنهاد نمود، افرادی که در ارتباط با مسایل فرهنگی و مذهبی جامعه کار می‌کنند و بر رفتارهای مردم تاثیر می‌گذارند با برنامه‌های مختلف بخش خصوصی را ترغیب به سرمایه‌گذاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نمایند.

۴- بر مبنای نتایج آزمون فرضیه‌ی چهارم، پیشنهاد می‌گردد انواع مختلف از معافیت‌های مالیاتی که با دیدگاه‌های ریسک‌گریزی و ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران منطبق باشد تدوین گردد و به شکل قانون‌مند در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد.

۵- بر اساس نتیجه‌ی پنجم، پیشنهاد می‌شود طرح‌های گوناگون واگذاری وام‌های بلندمدت که با سلیقه‌های متفاوت مشارکت‌کنندگان سازگار باشد، در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد.

۶- بر مبنای آزمون فرضیه‌ی ششم، پیشنهاد می‌گردد واگذاری زمین و خدمات زیربنایی مرتبط با آن به شکل نظام‌مند و با سرعتی بالا به بخش خصوصی واگذار گردد تا آنان با علاقه‌ی بیشتری در آموزش فنی و حرفه‌ای مشارکت نمایند.

۷- بر اساس نتیجه‌ی حاصل از آزمون فرضیه‌ی هفتم، پیشنهاد می‌گردد با یک مطالعه‌ی میدانی دقیق میزان هزینه‌سرايه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به شکلی حقیقی و واقعی تبیین گردد و با واگذاری چنین امکاناتی تمایل را برای مشارکت فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای افزایش یابد.

۸- بر مبنای نتایج حاصل از آزمون فرضیه هفتم، پیشنهاد می‌شود که یک سیستم مدیریت چرخه بهره‌وری جهت شناخت و مستندسازی و فرایندهای اداری مشارکت بخش خصوصی در تأسیس مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای انجام گیرد و نمودارهای جریان کار جدید با حداقل اتلاف زمان و هزینه طراحی گردد.

به طور کلی به نظر می‌رسد در هر چهار نظام، مشکلات خاصی وجود دارد که بخش خصوصی را در محاسبه سودمندی و انتفاع از کنش مشارکتی دچار تردید می‌سازد و نظام اقتصادی از برون‌داد حمایتی سایر نظام‌ها (سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) به شکل مطلوبی برخوردار نیست.

زیر نویس ها

- | | | | |
|---------------|---------------------|---------------------|---------------------|
| 1- Alen biyro | 2- gared and beyser | 3- okly | 4- merton |
| 5- max weber | 6- Alfered shoutz | 7- Objective chance | 8- Interpenetration |
| 9- Overlap | 10- Agil Parsonz | 11- Herz berg | 12- Paolo Frizeh |

منابع

- ۱- آذر، عادل. آمار و کاربرد آن در مدیریت، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۲- آقایی، جلیل. سازمان‌های کارآفرین. مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۸.
- ۳- بیرو، آن. فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی). ترجمه: باقر ساروخانی. تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
- ۴- توسلی، غلامعباس. نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۵- توسلی، غلامعباس. مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- ۶- جلی، سعید. تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
- ۷- عمادزاده، م. اقتصاد آموزش. جهاد دانشگاهی اصفهان، ۱۳۷۹.
- ۸- کیانی، منوچهر و دیگران. خصوصی سازی - شرایط تجربیات. سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۷۳.
- ۹- گارد، ویبر. بیرون‌سپاری. سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۸۳.
- ۱۰- متوسلی، محمود. توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۴.
- ۱۱- مهدی، علیرضا. خصوصی سازی: بایدها و نبایدها. پایگاه اطلاع‌رسانی سراج اندیشه، ۱۳۸۷.
- ۱۲- میسر. مشارکت مردمی. مجله جهاد، شماره ۸۹، سال ششم، مرداد ۱۳۶۵.
- ۱۳- نصر تبه، غ. چگونگی تحول در نظام‌های آموزشی. سند شماره ۴۶۵۰. بانک اطلاعات علوم تربیتی. پژوهشکده تعلیم و تربیت تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۴- نظری، محسن. سهم بخش‌های عمومی و خصوصی در صنعت کشور. ماهنامه سیاسی - اقتصادی، شماره اول، ۱۳۸۶.
- ۱۵- نوربخش، ح. بررسی میزان بهره‌مندی واحدهای فنی و حرفه‌ای استان اصفهان. شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۳۸۵.
- 16- Ackoff, R. L, Toward a Behavioral Theory of Communication, In Management Science, Vol. 4, 1980.
- 17- Adcock, Dennis et all, Marketing; Principles and Practice, London, Pitman Publishing, 2001.
- 18- Ahituv, Niv & Seev Neumann, Principles of Information Systems for Management, 3rd edition, USA, WMC, Brown Publishers, 2002.
- 19- Amstutz, A. E, Computer Simulation of Competitive Market Response, Cambridge, Mass, MIT Press, 2002.
- 20- Baily, P. J. H, Purchasing and Supply Management ,Chapman and Hall, 1989.
- 21- Blanchard, Benjamin S. & Wolter J. Fabrycky, Systems Engineering and Analysis, Englewood Cliffs, NJ, Prentice, Hall Inc 2001.
- 22- Burch, J.G, Systems Analysis, Design and Implementation, Boyd & Fraser Publishing Co, Boston, U. S. A, 2002.